

در محله مدیریت برپا شد
همایش محله خوب
زندگی مطلوب

همایش بزرگ محله ای «محله خوب زندگی مطلوب» در محله مدیریت برگزار شد. به گزارش خبرنگار همشهری محله، این همایش با هدف اجرای طرح هم‌اندیشی بزرگ محله خوب زندگی مطلوب، افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان و ایجاد زمینه مناسب برای تعاملات محله

به همت خانه پژوهش و سرای محله مدیریت در فرهنگسرای ابن‌سینا برگزار شد. در این همایش که مسئولان و شهروندان محلی حضور داشتند در خصوص آثار آرسالی از سوی شهروندان در زمینه محله خوب زندگی مطلوب مباحثی ایراد شد.

دکتر محسن ایمانی، جامعه‌شناس

حس انتقامجویی، نتیجه مستقیم تحقیرها

آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیماری ایدز آنقدر زیاد است که دکتر «محسن ایمانی» جامعه‌شناس در ابتدای گفت‌وگو در این خصوص هشدار می‌دهد و از جامعه می‌خواهد که در نوع رفتار خود با افراد مبتلا به ایدز تجدید نظر کنند. استاد دانشگاه تربیت مدرس می‌گوید: «افراد مبتلا به ایدز درگیر فشارهای روانی بسیاری هستند، از یک سو با بیماری درگیرند که صعب‌العلاج است و درمان قطعی ندارد و از سوی دیگر مجبورند انواع تحقیر و توهین‌ها را از طرف جامعه تحمل کنند. با اینکه درصد بالایی از این افراد ناخواسته درگیر این بیماری شده‌اند و خودشان هم قربانی بوده‌اند.» این جامعه‌شناس ایجاد حس انتقامجویی را یکی از نتایج تلخ این توهین‌ها می‌داند و معتقد است تا زمانی که جامعه بر خورد مناسبی با این افراد نداشته باشد شاهد افزایش افراد مبتلا به ایدز به دلیل ایجاد حس انتقامجویی در عده‌ای خاص از این مبتلایان هستیم.» دکتر ایمانی دلیل اصلی این برخورد های تحقیر آمیز را نا آگاهی افراد جامعه می‌داند و از مسئولان می‌خواهد که در این خصوص اطلاع‌رسانی را افزایش دهند. او یکی از این روش‌های اطلاع‌رسانی را رسانه‌ها عنوان می‌کند و می‌گوید: «در خصوص مطرح کردن این بیماری خط قرمزهایی وجود دارد که شاید به دلیل همین خط قرمزها اصل موضوع فراموش شده و کمتر به آن پرداخته می‌شود، اما این نگفتن‌ها در خصوص ایدز به ضرر جامعه تمام می‌شود.» ایمانی تهیه جزوه‌ها یا کتابچه‌هایی خاص این بیماری و روش‌های انتقال آن و همچنین توصیه‌هایی در خصوص برخورد جامعه با افراد مبتلا به ایدز و توزیع جزوه‌ها در دبیرستان‌ها یا دیگر مکان‌های عمومی را یکی از روش‌های مناسب اطلاع‌رسانی می‌داند.

رئیس اداره سلامت منطقه:

به‌زودی کارگاه‌های شناخت ایدز برگزار می‌شود

وقتی سراغ رئیس اداره سلامت منطقه رفتیم و از برنامه‌های این اداره در روز جهانی ایدز جویا شدیم، توقع داشتیم که حداقل یک همایش در خصوص این بیماری در منطقه‌مان برگزار شده باشد، اما گویا این محدودیت‌ها و خط قرمزها دلیل به ظاهر موجهی بوده تا در خانه‌های سلامت ما هم هیچ حرف و سخنی در مورد این بیماری و راه‌های انتقال آن گفته نشود. هر چند دکتر «عباسعلی عباسی» قول مساعد می‌دهد که به‌زودی در ۳۰ خانه سلامت منطقه کارگاه‌هایی برای شناخت بیماری ایدز برگزار کند. دکتر عباسی به‌عنوان عضوی از جامعه پزشکان در خصوص مشکلات پیش روی افراد ایدزی هشدار می‌دهد و می‌گوید: «این افراد با مشکلات جسمی بسیاری درگیرند و مشکلات روحی و تحقیرها هم به این موضوع دامن می‌زند و آنها را آزار می‌دهد.» دکتر عباسی از افراد مختلف می‌خواهد که با بیماران ایدزی رفتار درستی داشته باشند. او می‌گوید: «برقراری رابطه پر خطر جنسی، آرایشگاه‌ها و دندانپزشکی‌ها از مواردی هستند که در انتقال این بیماری تأثیر گذارند، به شرط آنکه شخصی که مبتلا به ایدز است در زمان حضور در این مکان‌ها اعلام نکند که درگیر این مشکل است.» عباسی معتقد است که برخورد های تحقیر آمیز جامعه با افراد ایدزی ممکن است کار را به جایی برساند که این افراد برای فرار از توهین‌ها بیماری‌شان را اعلام نکنند و آن زمان است که نگرانی‌ها افزایش پیدا می‌کنند.» دکتر عباسی با تأکید بر اینکه رفت و آمد با افرادی که درگیر ایدز هستند به هیچ‌وجه نمی‌تواند منجر به انتقال این بیماری شود توصیه می‌کند که شهروندان اطلاعاتش را در خصوص این بیماری و روش‌های انتقال آن افزایش دهند.

شوید باز هم از این سرنگ استفاده کردید؟

آدم معتاد فقط می‌خواهد به هدفش برسد. چرا و چطور مهم نیست؟ وقتی کارش به تزریق می‌کشد و حالش بد است. برایش مهم نیست که یک نفر از این سرنگ استفاده کرده یا ۱۰ نفر. در زندان هم به دلیل اینکه اجازه کشیدن مواد نمی‌دهند سرنگ به ما نمی‌دادند. همین موضوع هم باعث می‌شد تا ما از سرنگ‌های مشترک استفاده کنیم.

عاقبت اعتیادتان چه شد؟

بعد از ۱۰ سال مصرف ازدواج کردم. همسرم وقتی فهمید که معتادم به جای اینکه از من جدا شود، کمک کرد تا ترک کنم. من همیشه و تا آخر عمرم مدیونش هستم.

بعد از ترک اعتیاد متوجه این بیماری شدید؟

بله. یک سال از ترک گذشته بود که آزمایش دادم و فهمیدم که ایدز دارم. اول باورم نشد اما این آزمایش چند بار تکرار شد و من نه تنها مبتلا به ایدز بودم بلکه هپاتیت نوع B و C هم داشتم.

همه چیز را تمام شده دیدید یا با این بیماری منطقی برخورد کردید؟

چطور می‌توانستم منطقی برخورد کنم؟ تازه از شر اعتیاد رها شده بودم و طاقتم یک بیماری دیگر آن هم بیماری صعب‌العلاجی مثل ایدز را نداشت.

همسران هم مبتلا شده بود؟

همه هم و غم این بود که او هم به واسطه من در دام این بیماری افتاده است. نمی‌توانستم واقعیت را به او بگویم و چندین هفته در خانه سکوت کردم. دل و دماغ حرف زدن با هیچ‌کس را نداشتم. اما باید کاری می‌کردم. به همین خاطر خانم را به بهانه چکاب کلی برای بچه‌دار شدن به آزمایشگاه بردم و وقتی جواب آزمایش را منفی دیدم انگار همه دنیا برای من بود.

موضوع را به همسرتان اطلاع دادید؟ واکنش او چه بود؟

بالآخره ماجرا را به او گفتم. تا چند روز گریه می‌کرد. حجت را با او تمام کردم. گفتم نمی‌خواهم به خاطر من تباه شوی و به زندگی خودت برس و از من جدا شو. اما من را ترک نکرد و گفت که می‌خواهم با تو زندگی کنم. می‌ترسیدم که مبادا او هم گرفتار شود، اما راه‌های بسیاری وجود دارد که همسر کسی که مبتلا به ایدز است، درگیر این بیماری نشود.

حال و روز خودتان چطور بود؟

زندگی را تمام شده می‌دیدم. این بیماری فقط جسم را درگیر نمی‌کند و به جرئت می‌گویم



■ در زندان به دلیل استفاده از سرنگ مشترک به ایدز مبتلا شد

■ یکی از دوستانم بشقاب و لیوان و همه آنچه را که من با آن غذا خورده بودم در سطل آشغال انداخت

■ همسرم در این ماجرا خیلی تأثیرگذار بود و این موضوع که او مبتلا به ایدز نشده است برای من نقطه امید بود

■ به خاطر این بیماری شغلم را از دست دادم و سختی‌های زیادی کشیدم

■ از مسئولان می‌خواهم فقط به فکر این نباشند که دیگران از ما ایدز بگیرند لطفاً از افرادی که به هر دلیلی گرفتار این بیماری شده‌اند حمایت روانی و اجتماعی کنند.

■ حرف همه ما یک چیز است. ما را تحقیر نکنید.

چه برخوردی داشتند؟

بعضی از دوستان که اطلاعات خوبی از این بیماری داشتند بر خوردشان خوب بود، اما بعضی‌ها بر خوردهایشان آنقدر تحقیر آمیز بود که از دست دادن با من هم امتناع می‌کردند. یاد می‌آید به خانه یکی از دوستانم رفته بودیم و همسر او که تازه متوجه بیماری‌ام شده بودم بشقاب و لیوان و همه آنچه من با آن غذا خورده بودم در سطل آشغال انداخت.

چطور توانستید با این برخورد های

تحقیر آمیز کنار بیابید؟

برایم سخت بود. به خاطر این بیماری شغلم را از دست دادم و سختی‌های زیادی کشیدم. چند سالی گذشت. اما دیدم نمی‌توانم دست روی دست گذاشت. به همین دلیل به مراکز مخصوص این بیماری که در تهران تعدادشان به انگشتان دست هم نمی‌رسند مراجعه و درمان را آغاز کردم. عضو انجمن ایدزی‌ها شدم و وقتی توانستم خودم را پیدا کنم به افرادی که تازه به این بیماری مبتلا شده بودند و حال و روز بدی داشتند مشاوره می‌دادم. این کمک‌ها تا امروز هم ادامه دارد.

داروهای این بیماری در دسترس هست؟

بله. خوشبختانه این داروها برای مبتلایان به ایدز رایگان است، اما اثر کردن آن بر بدن بیمار داستان‌های خودش را دارد. تا بدن به این داروها عادت کند زمان زیادی می‌برد و در این دوره مشکلات بسیاری پیش می‌آید.

با وجود شرایط سختی که داشتید توانستید برای خودتان شغلی دست و پا کنید؟

بله. هر چند خیلی سخت بود که روحیه‌ام را حفظ کنم، اما همسرم در این ماجرا خیلی تأثیرگذار بود و این موضوع که او مبتلا به ایدز نشده است برای من نقطه امیدی بود که بیشتر از این خودم را نیازم. با وجود این، بیماری کار کردن در شرکت‌ها و کارخانه‌ها کمی سخت بود و شاید مجبور می‌شدم همه نوع توهینی را تحمل کنم. به همین دلیل سراغ شغل آزاد رفتم و الان یک کارگاه کوچک تولیدی دارم.

به‌عنوان فردی که ۶ سال است با این بیماری درگیر است، از مسئولان چه توقعی دارید؟

توقع‌ها زیاد است، اما گله‌ها بیشتر. از مسئولان می‌خواهم فقط به فکر این نباشند که دیگران از ما ایدز بگیرند. هر چند این موضوع مهم است، اما در کنار آن از افرادی که به هر دلیلی گرفتار این بیماری شده‌اند حمایت روانی و اجتماعی کنند. می‌دانید تا امروز چند نفر از افرادی که از دوستان خود من بودند به دلیل برخورد های تحقیر آمیز و شرایط سخت اجتماعی خودکشی کردند. من دریکی از مراکز مربوط به ایدزی‌ها مشاور هستم. می‌دانید هر روز با وجود همه دردهای خودم باید سنگ صبور افرادی باشم که با این بیماری درگیرند. از نوجوان ۱۶ ساله گرفته تا پیرمرد ۶۰ ساله. حرف همه‌شان یک چیز است. ما را تحقیر نکنید.